

واقعیت سرد گرم کننده‌تر از تصور ما بود

گفت‌وگویی با جاناتان لین، نویسنده مجموعه کمدی «بله آقای وزیر»!



حتی بیش از یک سال قبل از ضبط و پخش نوشته می‌شد. موضوعیت فقط یک توهم است.

در برخی از کتابهای درسی رشته علوم سیاسی، برای تسهیل درک نحوه اداره کشور، از دیالوگها و عبارات به کار رفته در مجموعه «بله آقای وزیر» و «بله آقای نخست‌وزیر» نقل می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟

خوشحالم که در کتابهای درسی سیاسی انگلستان از سریال ما نقل قول می‌شود. البته بخش اعظم اطلاعاتی که در این سریال عرضه شده از سایر منابعی مانند خاطرات ریچارد کراسمن قابل دسترس است اما ما به شکلی ساده فهم و خواندنی ارائه کردیم.

نحوه اداره حکومت در انگلستان از زمان کالاهان / تاچر به این سو شاهد تحولاتی بوده و طبیعتاً شما مصالح تازه‌ای برای کار می‌یابید. آیا امکان دارد سری جدیدی را با بازیگران جدید بسازید؟

از زمان کالاهان / تاچر تا حالا اگر هم تغییر و تحولی بوده کم و صوری است. اکنون تعداد «مشاوران ویژه‌ای» که به دانیگ استریت (دولت بریتانیا) و سایر دوایر دولتی تزریق شده‌اند بیشتر است و واژه «ماستمالی» احتمالاً از زمان پخش سریال ما وارد ادبیات سیاسی شده. اما ذات دولت انگلستان عوض نشده. مطمئن نیستم ساختن سری جدید با بازیگران جدید ارزش داشته باشد مخصوصاً که بازیگران اصلی بسیار خوب بودند.

با توجه به اینکه محور داستان بر کارهای دولت است، هر چند عمدتاً در کابینه، چرا هیچ‌گاه حتی یک صحنه در

راستی، آقای لین، چطور می‌شود که بعد از سقوط کمونیسم، فرو ریختن دیوار برلین، پایان جنگ سرد، ظهور تروریسم، گسترش اتحادیه اروپایی، پول واحد اروپایی و... هنوز هم سریال شما با وقایع و اوضاع جاری زمان ما منطبق است؟

اگر می‌بینید سریال «بله آقای (نخست) وزیر!» بعد از بیست سال هنوز هم تازه و دیدنی است دلیلش را در این باید جست که هیچ تغییر و تحول اساسی و ریشه‌ای اتفاق نیفتاده است. محور اصلی این سریال نیز همین است. تنها چیزهایی که عوض می‌شوند اسامی شرکت‌کنندگان و اعداد و ارقاماند (به خاطر تورم). مثلاً در تابستان ۱۹۸۶ که شروع به نوشتن «بله آقای نخست‌وزیر» کردم به دفتر روزنامه دیلی تلگراف در فلیت استریت رفتم و اخبار و گزارشهای ۳۰ سال قبل آن روزنامه از رخدادهای سال ۱۹۵۶ را از نظر گذراندم. همه آنها شبیه به هم بودند: بروز موج خشونت در خاورمیانه، وقوع جنگ بین اسرائیل و همسایگانش، پیوستن یا نپیوستن انگلستان به اروپا، تعدیل روابط ویژه انگلستان با آمریکا در جهت منافع اروپا، هزینه‌های دفاعی، بیم از تورم، رکود، تورم رکودی، بیکاری و از این قبیل. در واقع، هر چند سریال ما در آن زمان بسیار باب روز درآمده بود، اما اپیزودهای آن غالباً ماهها یا

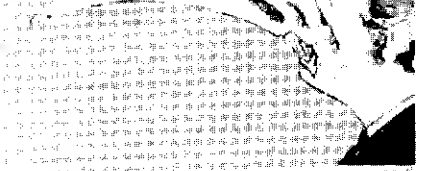
دهه وزارت امور اداری صرفاً برای تحقیق در بهر موزی سازمان اقدام به استخدام ۴۰۰ نفر پرسنل مارا کرده اکنون سر هامفری با پیشنهاد کاهش این بستها و حذف بستهای اداره نظارت بر امور اداری به کمک هر می‌اند سرانجام برای کاهش واقعی بودجه طرح کم کردن تعداد زنان ایدارجی ارائه می‌شود

دیدار رسمی

سر هامفری با نهادهای امنیتی بریتانیا در لندن بازرگردد چرا که بوراندا کشوری نفت خیز است و این دیدار از جهت فروش اسلکهای نفتی به آن کشور بسیار مهم تلقی می‌گردد

جیم هرک طرحی عالی برای رفع مشکلات حضور ملکه در لندن پیش‌بینی کرده وی معتقد است دیدار رئیس جمهور بوراندا با ملکه به جای لندن در اسکاتلند انجام شود از طرفی قرار است در همه نواحی انتخابیه اسکاتلند نیز بین از اتمام سفر رئیس جمهور، انتخابات میان دوره‌ای برگزار شود سر هامفری از این طرح راضی نیست و آن را مانع تمسح انتخابات تلقی می‌کند مصافح بر اینکه او نمی‌تواند به اسکاتلند برود اما جیم هرک با اقتضای می‌کند

در این گیر و دار سر فردرک اسمان وزیر خارجه به نتر هامفری درباره احتمال لغو دیدار رئیس جمهور بوراندا به خاطر شایعاتی مبنی بر کودتای کمونیستی در آن کشور خبر می‌دهد شنب بعد جیم هرک از بی بی سی خبر وقوع



۳۲



کودتا به دست شخصی به نام سلیم محمد را می‌شود.

جیم هکر با وزیر امور خارجه به شور می‌نشینند و نهایتاً تصمیم می‌گیرند از رئیس‌جمهور جدید دعوت کنند. سر هامفری از کار آنها اظهار شگفتی می‌کند چون هنوز از برنامه‌ها، اغراض و نیتات رئیس‌جمهور جدید اطلاعی ندارند. بنابراین به وزیرش اصرار می‌ورزد تا دیدار را لغو کند اما هکر کوتاه نمی‌آید (چون انتخابات میان‌دوره‌ای در سه‌هفته آینده برگزار می‌شود).

رئیس‌جمهور یوراند، هفته بعد به انگلستان می‌آید. جیم هکر متوجه می‌شود که او چارلی (تالی از هم‌کلاسهای سابقش در دانشگاه آکسفورد) بوده است.

در راه سفر به اسکاتلند، جیم هکر پیش‌نویس سخنرانی چارلی را می‌آورد که در آن قرار است در حضور ملکه انگلستان به مردم اسکاتلند و ایرلند توصیه کند علیه ظلم انگلیسی‌ها ساکت ننشیند. سر هامفری در ملاقاتی با سِر فزدریک، وزیر امور خارجه و بیل ریچارد (مستول امور رسانه‌ها) نتیجه می‌گیرند که پیش‌نویس سخنرانی به معنای اهرام فشاری برای چانه‌زنی است و سپس توافق می‌کنند که دوست او، جیم هکر، با چارلی صحبت کند و او را به مسیر محتوای سخنرانی وادارد.

جیم هکر و سر هامفری در ملاقات با چارلی می‌فهمند که وی تنها با دریافت یک وام ۵ میلیون پوندی بدون بهره که بازپرداخت آن تا شش سال آینده شروع شود، او این وام را صرف خرید سکوهایی نفتی از انگلستان می‌کند. سر هامفری با بیست و نایابوری این پیشنهاد را به باجگیری تغییر می‌کند اما هکر به خاطر استقلال رأی پیشهاد رئیس‌جمهور یوراند با آن موافق است و به سر هامفری نیز یادآور می‌شود که در صورت عدم حل این قضیه، سانس ارتقاء درجه در آینده را از دست می‌دهد. سرانجام همه این ضامنه را به نفع خود می‌بینند و هکر می‌گوید: «هر کسی قیامت دارد».

طرح اصلی یا سوژه به روشهای گوناگونی مطرح می‌شد. گاهی با تحقیق، گفتگو با منابعمان در دولت؛ گاهی با مراجعه به آثار منتشرشده، مانند «خاطرات کراسمن»؛ گاهی با اخبار وقایع جاری که فکر می‌کردیم ارزش کار دارند؛ و گاهی کاملاً از تخیلمان کمک می‌گرفتیم

باز جامع علوم انسانی

برای پاکیزه‌ترین و سالم‌ترین بیمارستان در کشور شده بود. بعد از اختراع این وضعیت چرند و مزخرف، کاشف به عمل آمد که شش بیمارستان درست با همین مشخصات در انگلستان وجود دارد، که یکی از آنها در کمبریج شایر بود و فقط یک بیمار داشت و آن هم کسی نبود جز سرپرست پرستاران که از داربست افتاده بود و پایش شکسته بود. ما بعد از آنکه طرح اصلی هر ایزود را پیدا می‌کردیم از سه روز تا دو هفته روی قصه‌اش کار می‌کردیم. به محض اینکه داستان را تمام می‌کردیم چهار روز را صرف نوشتن و تنظیم دیالوگها می‌کردیم. این کار هم که تمام می‌شد ایزود مورد نظر را به یک منبع ناشناس و سِرّی نشان می‌دادیم. این منبع همیشه کسی بود که در باب موضوع آن ایزود اطلاعات موثق داشت.

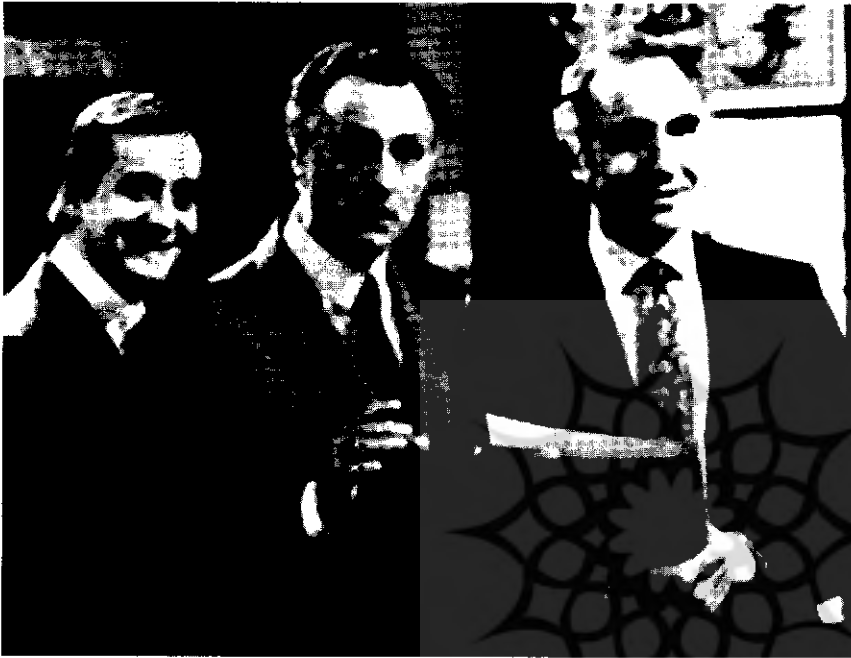
مجلس عوام ساخته نشد؟

پاسخ شما در خود سؤال است. از مجلس عوام چیزی نشان ندادیم چون قرار بود ساز و کار دولت را نشان دهیم. کار دولت در مجلس انجام نمی‌شود؛ در مجلس، کمی سیاست و یک عالمه هیاهو به هم آمیخته؛ جریانات دولت در خلافت، مثل نمایشهای عمومی، اصل کار و تمرین پشت درهای بسته صورت می‌گیرد. بنابراین دولت چیزی را به مجلس و مردم نمایش می‌دهد که دوست دارد ببینند.

می‌توانید بگویید ایزودها را با چه روشی می‌نوشتید؟ آیا طرح اصلی هر ایزود را با مطالعه و بررسی سیاست انگلستان پیاده می‌کردید یا اول سوژه‌های را مطرح می‌کردید و سپس آن را بسط می‌دادید؟

طرح اصلی یا سوژه به روشهای گوناگونی مطرح می‌شد. گاهی با تحقیق، گفتگو با منابعمان در دولت؛ گاهی با مراجعه به آثار منتشرشده، مانند «خاطرات کراسمن»؛ گاهی با اخبار وقایع جاری که فکر می‌کردیم ارزش کار دارند؛ و گاهی کاملاً از تخیلمان کمک می‌گرفتیم. مثلاً ایزودی را که راجع به خدمات درمانی رایگان ساختیم از قوه تخیلمان کمک گرفتیم. در آن ایزود بیمارستانی داریم که پانصد کارمند دارد اما از دکتر، پرستار یا بیمار خبری نیست. این بیمارستان برنده جایزه فلورانس نایتینگل





نسخه هندی «بله آقای وزیر»

«بله آقای وزیر» (Mantriji Ji) فیلمی است که معمولاً از روی سناریوهای خودش ساخته‌های بومی برای مناطق دیگر می‌سازد. برای یک بار هم که نسخه نایر هندی کرد و با کمک یک تهیه‌کننده هندی به نام جاکر بارتی با مجتوب و فریبا شبیه نسخه انگلیسی «بله آقای وزیر» بسطت وقایع این داستان را در هندوستان بین کرد و به پرو و پای سیاستمداران نظام اداری و بوروکراسی این کشور پیوست.

جاکر بارتی می‌گوید: «ما بیبا زبان طنز گفتم که نظام مدیریت کشور ما هیچ وقت تغییر نمی‌کند و اتفاق مفیدی در آن روی نمی‌دهد. البته از جایی اغراق بود غفلت نکردیم.»

اشاراتی که در سریال انگلیسی به روسیه می‌شود در سریال هندی به پاکستان می‌شود و جامعه اقتصادی اروپا تبدیل به کشورهای مشترک المنافع شده. انگیزه ساخت «بله آقای وزیر» به ملامت کردن نزاع سیاستمداران بلندیایه و دیوان سالاری حاکم بر نظام حکومتی است.

سریال «بله آقای وزیر» و «بله آقای نخست‌وزیر» را فیلمهایی آموزشی برای سیاستمداران می‌دانستیم که به آنها نشان می‌دهد چگونه از آنها خطا سر می‌زند.

آیا از اینکه اپیزودهای بیشتری نوشتید افسوس می‌خورید؟

نه. هر چند در سریال «بله آقای وزیر»، از زندگی خانوادگی جیم هکر صحنه‌هایی می‌بینیم، اما دربارهٔ سر هامفری و خانواده‌اش صحنه‌ای وجود ندارد. اگر از زندگی خانوادگی او می‌گنجاندید چه شکلی می‌شد؟

زندگی خانوادگی جیم هکر اندکی تناسب و ارتباط داشت چون او در طبقه بالای یک فروشگاه در خیابان دانینگ زندگی می‌کرد. در مورد زندگی سر هامفری می‌شنویم که او در هاسلمیر زندگی می‌کنند. پسری در وینچستر دارد و دختری در بدالز، و همسرش زن دل‌نازکی بود که برای مراسم کلیسا یک می‌پخت و سگش را برای پیاده‌روی می‌برد. به نظرم سرگرمی‌های هامفری عبارت بودند از مطالعه (عمدتاً بیوگرافی)، گوش دادن به موسیقی کلاسیک

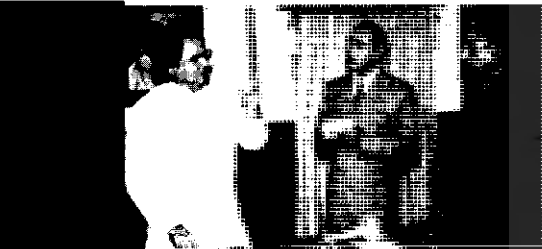
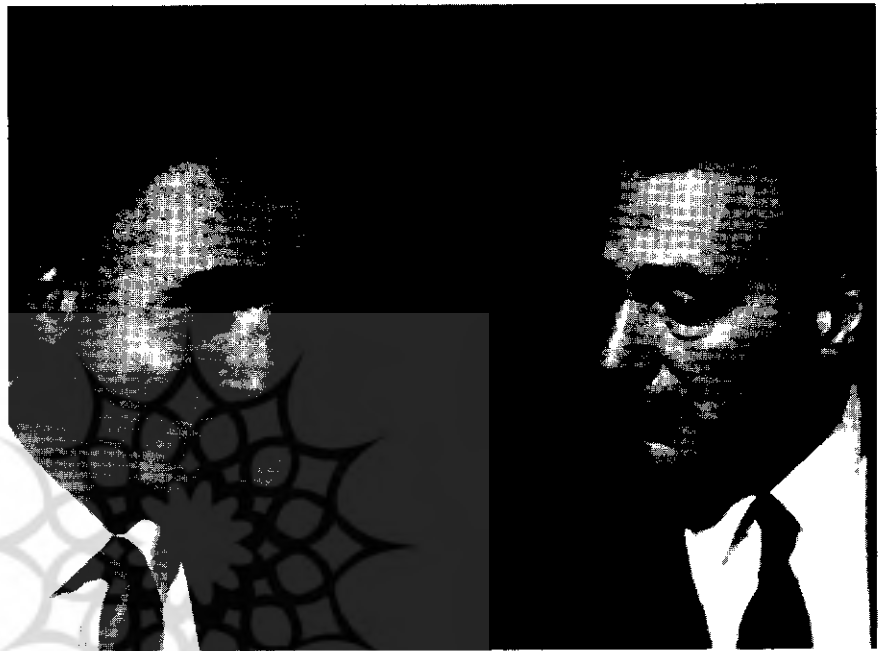
آنها به ما اطلاعات اضافی و دقیق‌تری نیز می‌دادند که به علت واقعی بودنشان معمولاً سرگرم‌کننده‌تر از چیزی بود که تصور می‌کردیم.

به نظر شما چه چیزی باعث همکاری با آنتونی جی در خلق این طنز سیاسی سنگین‌انگیز شد؟

آنتونی جی فردی خبره و آگاه به رموز بوروکراسی بود و قبلاً نیز کتابهایی منتشر ساخته بود که مهم‌ترینش «مدیریت و ماکیاولی» است. مدتی نیز مدیر یکی از بخشهای بی‌بی‌سی بود که شبیه کار همین کارمندان بلندپایه است.

من از نوشتن و بازیگری در نمایشهای کمدی تلویزیون و کارگردانی تئاتر به این مرحله رسیدم. آنتونی جی دارای مدرک در رشتهٔ ادبیات کلاسیک بود و من دارای مدرک در رشته حقوق. تجارب قبلی ما مکمل هم بودند. ما کار مشترکمان را با نوشتن فیلمهای آموزش مدیریت برای شرکت هنرهای ویدئویی شروع کردیم. آنتونی وقتی فهمید که اکثر فیلمهای آموزشی به خاطر نمایش نحوهٔ درست انجام دادن کارها خسته‌کننده هستند تصمیم گرفت برای سرگرم‌کننده بودن این فیلمها بهتر است به مردم خطاها و اشتباهات را نشان داد. ما به نوعی

کاشف به عمل آمده که اپیزود «جنبه اخلاقی» که در آن هکر و کارمندان در یک مأموریت تجاری به کشوری اسلامی الکل صادر کنند، عملاً در پاکستان اتفاق افتاده است.



وزیر در این کشورها همیشه رودست می خورد و قربانی می شود. در حرکتی که علاقه مندان این سریال بود گفته است که تصویر دقیقی از وقایع و جریانات کرپورهای قدرت در این سریال به نمایش درمی آید. او از تماشاگران آن لذت می برد.

تونی جی که از آفرینندگان سریال «بله آقای وزیر» است با اشاره به علاقه اکثر مردم دنیا به بودکیها و مستخرمها بزرگهای بوروکراسی می افزاید: «هر چند این نظام خوشایند کسی نیست اما هندوها هم بدان علاقه خاصی دارند».

دورنمای نگاری نوشته است که بوروکراتها بر بازارهای سیاسی هند همواره استبر و بازی خورده سیاستمداران است. فرج شیخ در گفتن فریب پراگاتیسیک وزیر هندی، و جانانت کریالی در بخش واخات مانور، مسائل سیاسی را ظاهر شده اند.

فرج شیخ معتقد است عرضه سیاسی هند بیش از سایر کشورها و به خصوص کشورهای غربی قابلیت طنزپردازی دارد.

قوة مقننه آنها (کنگره) قدرت اجرایی ناچیزی دارد. قوة مجریه آنها (کاخ سفید) هیچ قدرت و اختیار تقنینی ندارد. دیوان عالی می تواند هر قانونی را مغایر با قانون اساسی اعلام کند هر چند این نیز واقعیت دارد که کنگره برای خودش یک صحنه تئاتر است درست مثل مجلس عوام که آن هم صحنه تئاتر است.

می شد به آقای وزیر را به یک نسخه کمدی آمریکایی تبدیل کرد، اما امروز کمدیهای تلویزیونی آمریکایی از طنز یا کنایه پرهیز می کنند. بیشتر دوست دارند آنها را خودمانی و راحت الحلقوم بسازند. وقتی داشتم با شبکه راجع به ساختن یک نسخه آمریکایی از آن صحبت می کردم، از من خواستند که یک بچه یا یک توله سگ را در آن بگنجانم. من هم دیدم به زحمتش نمی آزد.

شما چگونه و از چه وقتی رموز نظام اداری را یاد گرفتید؟ مثلاً حقه چهار حرفی، اینرسی خلاق، استراتژی چهار مرحله ای در مورد یک بحران خارجی، بهانه های پنج استاندارد نظام اداری و...؟

ما اینها را از خودمان درآوردیم.

و گاهی نیز سر زدن به پراخانه سلطنتی یا تماشاخانه ملی که عضو هیئت مدیره آن بود. تعطیلاتش را به پیاده روی در لیک دیستریک و گاهی هم قایق سواری در لیمینگتون می گذراند و در مجموع رابطه گرم تری با سگش دارد تا با خانواده اش.

آیا سریال «بله آقای وزیر» می شد تبدیل به یک سریال آمریکایی بشود، یا اینکه دولتهای انگلستان و آمریکا به حدی متفاوت اند که چنین چیزی امکان پذیر نیست؟

تفاوت اساسی نظامهای دولتی آمریکا و انگلستان در این است که نظام انگلستان که اصولاً کارایی ندارد. دولت انگلستان موتور یک چمن زن و ترمزهای یک رولز رویس را دارد. اوپوزیسیون رسمی دولت که در حال حاضر لیبرال دموکراتها و حزب محافظه کار هستند صرفاً اوپوزیسیون در تبعید هستند. تشکیلات اداری، اوپوزیسیون حاکم است. بنابراین، مثل خیلی از بوروکراسیها اکثر مردم می توانند بگویند «نه» اما تقریباً هیچ کس نمی تواند بگوید «بله». آمریکاییان از اول به نحوی احمقانه این وضعیت را کبی برداری کردند و نامش را گذاشتند تفکیک قوا و آن را در قانون اساسی شان پیچیدند.